

# ویژه نامه خواص

ویژه نامه شماره ۴

رنجنامه قرآن

قرارگاه جهادی طلاب عدالتخواه

## بسمه تعالی

### فصل اول : معرفت نامه قرآن

قرآن بی نظیر ترین کتابیست که در عصر جاهلیت و دوران زنده به گور کردن دختران؛ طلسم حقارت انسان بالاخص زنان ، کودکان ، کنیزان ، بردگان ، پابرهنگان ، سیاه پوستان و .... را شکست و به انسان عزت و کرامت اعطاء نمود و با مقام کوثری خود، انسان را از قعر چاه متعفن و لجنزار دنی دنیا به اوج جاه ملکوتی و جبروتی و از حضيض ذلت به اوج عزت و افتخار و سربلندی رسانید. جایی که عارفان و فیلسوفان ، با آن عظمت علمی و مقام معنوی ، از درک حتی گوشه ای از عظمت قرآن کریم ، اظهارعجز و ناتوانی می کنند ، از دیگران چه بر خواهد آمد.

آن جا که عقاب پر بریزد                      از پشه لاغری چه خیزد

اما :

آب دریا را اگر نتوان کشید                      هم به قدر تشنگی باید چشید

قرآن کتابی است که در کم تر از ربع قرن قبایل پراکنده و صحرانشین و دربند مثلث شراب و شهوت و شمشیر را به تعیین کننده ترین مردان سرنوشت جهان تبدیل می کند و در کم تر از یک قرن فرهنگی نو و انقلابی در تمدن بشری می آفریند.

قرآن زاویه نگاه ما را ۱۸۰ درجه عوض می کند نگاه آخور بینی را به آخربینی ؛ نگاه تکاثری را به کوثری ؛ نگاه خود بینی را به خدا بینی ؛ نگاه قارونی را به قرآنی ؛ درد شخصی را به درد اجتماعی و چشم غیر مسلح را به چشم مسلح تبدیل می کند و به ما نگاه تلسکوپیی و میکروسکوپیی می دهد .

سه نوع قرآن داریم :

۱ - قرآن موزه ای ۲- قرآن نیزه ای ۳- قرآن آموزه ای

نه قرآن موزه ای نجات بخش است نه قرآن نیزه ای ؛ تنها قرآنی نجات بخش است که در قلب امیرالمومنین(ع) است .

آیا می دانید قرآن مثل دریا است که هر کسی از آن بهره ای دارد. بعضی با نگاه، بعضی با شنا، بعضی با قایق رانی، و بعضی با غواصی. قرآن نیز این گونه است که: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ.

پیامبر اکرم (ص) : " أَنْ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَآ إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا"

قطعا برای قرآن ظاهری است و باطنی ، و برای باطنش نیز باطنی ، تا ۷ بطن یا تا ۷۰ بطن

آیا می دانید عجایب قرآن قابل شمارش نیست؟ امیرالمومنین فرمود: لَا تَنْقِضِي غَرَائِبَهُ

آیا می دانید عجایب قرآن کهنه شدنی نیست؟ لَا تَفْنِي عَجَائِبُهُ

آخوند همدانی در مکه به مسجدالحرام مشرف می شود و یک قرآن بسیار خوش خط چاپی داشته که مشغول خواندن آن می شود. مرد عربی پیدا می شود و می گوید: آیا این قرآن را به من می دهی؟ آخوند همدانی می گوید: نه، ولی می بیند کتابی زیر بغلش است، می پرسد: این چیست؟ عرب گفت: دیوان یزید. آخوند همدانی بالاخره راضی شد که قرآن را با دیوان عوض کند زیرا دلش می خواست که اشعار یزید را ببیند. او می گوید: پس از آن توفیق تلاوت قرآن از من سلب شد و هر چه خود را مهیا می کردم اسباب قرآن فراهم نمی شد.

پیامبر(ص): فضل القرآن علی سائر الکلام کفضل الله علی خلقه (میزان ج ۸ ص ۷۰)

قرآن و حدیث نسبت به سایر علوم واجب است ﴿ لاقربهٗ بالنوافل اذا أضرت بالفرائض

## فصل دوم: اهمیت قرآن

۱- خدا آنجا که مساله آفرینش انسان را مطرح می کند خود را کریم خوانده

يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶) الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷) سوره انفطار

ای انسان، چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟ \*همان کس که تو را آفرید، و [اندام] تو را درست کرد، و [آنگاه] تو را سامان بخشید.

ولی آنجا که موضوع خواندن و یادگیری و قلم مطرح است خود را اکرم خوانده است.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

۲- الرَّحْمَانُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

چرا تعلیم قرآن بر خلقت انسان مقدم شده است؟

علت تقدیم تعلیم قرآن بر خلقت انسان این است همانگونه که همیشه نقشه هربنای مهم قبل از ایجاد آن طراحی می شود طرح و نقشه و برنامه انسان نیز از پیش تعیین شده است. اگر چه لفظ قرآن ۱۴۰۰ سال پیش آمده ولی حقیقت قرآن قدیم است و قبل از خلقت انسان آمده است.

۳- علم قرآن و حدیث مثل شیر مادر است ولی سایر علوم شیر خشک، تا شیر مادر مانده که آدم سراغ شیر خشک نمی رود

۴- آیه تفقه یک توبیخ دارد ولی آیه تدبّر دو توبیخ دارد؛ چرا کتاب خالق را نمی خوانیم ولی کتاب مخلوق را می خوانیم

وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۱۲۲ توبه)

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۸۲ سوره نساء) آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (۲۴ سوره محمد ص) آیا به آیات قرآن نمی اندیشند؟ یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟

۵- قرآن نمی فرماید شهر رمضان الذی کتب فیهِ صیام

بلکه می فرماید شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ (سوره بقره ۱۸۵) ← عظمت رمضان به خاطر روزه نیست بلکه بخاطر نزول قرآن است. ارزش ما به میزانی است که قرآن در ما نفوذ کند و فرهنگ ما فرهنگ قرآنی شود. ارزش ظرف به مظروف است و ارزش شیشه رمضان به عطر قرآن است و الا شیشه بدون عطر ارزشی ندارد.

۶- کتاب مبارک :

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ - الأنعام : ۹۲

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ - الأنعام : ۱۵۵

وَ هَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَ فَاتَّبِعْتُمْ لَهُ مَنْكُرُونَ - الأنبياء : ۵۰

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ - ص : ۲۹

همان گونه که ملاحظه شد می بینیم خداوند متعال چهار مرتبه قرآن را دارای برکت دانسته و با برکت معرفی نموده است لذا هر که می خواهد به خیر و برکت فراوان و ماندگار برسد باید با قرآن رابطه برقرار کند.

## فصل سوم: رفتار ما با قرآن (مهوریت قرآن) (بر خورد کلیشه ای و مقدس مآبانه با قرآن):

۱- مزه ی قرآن را؛

نچشیدند، نچشیدیم، نچشانیدیم

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «سَيَاتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءٍ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتْ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعَوُّدٌ» (کافی/ ج ۸/ ص ۳۰۷) زمانی می آید که فقط اسم اسلام می ماند. مثال: ماشینی که بر اثر تصادف همه چیزش را از دست می دهد و فقط برای این خوب است که کنار جاده برای عبرت دیگران بگذارند. از ماشین جز قیافه اش نمانده است.

۳- امیرالمومنین (علیه السلام): «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ» شما را به خدا، شما را به خدا به قرآن برسید. قرآن مهجور است

۴- یکی از علما در حرم پیغمبر گریه و زاری و حالی کرد بعد به پیامبر (ص) گفت: از ما راضی هستی یا نه توسلی پیدا کرده و عرض کرد یا رسول الله حالت چطور است من به قرآن تفال می زنم قرآن را باز کرد این آیه آمد: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان/ ۳۰). در قیامت می گوید و گفت پیامبر که ای پروردگار قوم من این قرآن را رها کرده و غریب گذاشته اند.

۵- پیغمبر ما، فرمود: من از بین شما می روم. دو چیز را می گذارم: «كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي» بالای نود تا حدیث داریم و «عِتْرَتِي» بعضی از حدیث ها هم دارند «كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِي» ولی حدوداً اینطور که من یکوقت شمردم، ۹۹ عترتی داریم، یک سنتی. «كِتَابِ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي» قرآن و اهل بیت. این دو تا عزیز و گران بها یکی مهجور است، یکی هم مظلوم است. یعنی بنده خودم، شرمنده پیغمبر هستیم به عنوان یک مسلمان، که اهل بیت تو مظلوم هستند، و قرآن تو مهجور. مهجور هم نه یعنی در خانه ها قرآن نیست. قرآن در خانه ی هر مسلمانی معمولاً چند تا قرآن هست. قسم هم به قرآن می خوریم. به قرآن قسم! شب قدر هم قرآن سر می گیریم «بک یا الله» می گوئیم. بالای سر مسافر هم قرآن را رد می کنیم. آیاتش هم به عنوان کاشی کاری در محراب ها و ضریح ها و حرم ها و مساجد می نویسیم. مراد اینکه قرآن مهجور است، یعنی با قرآن نفس نمی کشیم. یک چیزی مثل اینکه در خانه هایی هست بعضی خانه های اشراف مهمانی می رویم یک کمدی دارند مثلاً این ظرف های ناصرالدین شاهی یا مظفرالدین شاهی و قلیان های از این چیزهای عتیقه را هرکس هرچه دارد از پدرش، پدر بزرگش ارث برده است در آن می گذارد. این متروک نیست. یعنی خیلی در دکور هم هست همه ی مهمان ها می فهمند. اما قابل ... یعنی این را به کار نمی بریم. قلیان ناصرالدین شاهی است اما حالا چه کسی می کشد؟ یعنی ما غرضمان از مهجوریت این است، چقدر قرآن در بورس است؟ یعنی سهم قرآن داده نشده است.

۶- قرآن در بین ما یا به شاخ گاو نوشته می شود برای زیاد شدن شیر و یا «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (قلم/ ۵۱) برای بچه که عقرب او را نگزد و یا با کاشیکاری به دیوار به جوری که هیچ جنی نمی تواند یک متر آن را بخواند و یا هنر معماری و خط سیخی و میخی و کوفی، و اتلاف پول و وقت چاپ و فروش و استخاره و «بک یا الله»

قرآن در بین ما تشریفات است یا قسم می خوریم به آن، و یا روی کیف عروس، و یا «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (قلم/ ۵۱) و یا چهار «قُلْ» آویزان می کنیم تا ماشین سرنگون نشود، و یا «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

أَتَقَاكُمْ» (حجرات/ ۱۳) روغن نباتی و کاشی فلان و گاز و چراغ گاز فلان و آیات آن را دستاویز کالاهای کارخانه‌ها می‌کنیم و بالای سر مسافر، خانه نو، و ....

قرآن می‌گوید: من مجید هستم ولی ما تمجید نکردیم. کریم هستم ولی ما تکریم نکردیم. عظیم هستم ولی ما تعظیم نکردیم.

بعضی قرآن را تنها برای مهریه عروس، بالای سر مسافر، سوگند یاد کردن، کتاب استخاره و امثال آن می‌خواهند.

۷- ماکتاب رامی خوانیم امانی بوسیم ولی قرآن رامی بوسیم امانی خوانیم.

۸- دشمن بازی‌ها را جدی می‌گیرد تا جدی‌ها بازی‌شمرده شوند؛ دشمن کتاب مخلوق را جدی می‌گیرد تا کتاب خالق بازی‌شمرده شود.

۹- مادر بزرگها قصه می‌گویند تا ما به خواب برویم اما قرآن قصه می‌گوید تا ما از خواب بیدار شویم؛ وای بر آن قرآن خواندنی که باعث خوابیدن ما شود نه بیداری ما؛ آری شب نزول قرآن شب بیدار شدن است نه بیدار ماندن؛ و ماه نزول قرآن ماه قیام است نه قعود

۱۰- قرآن کتابی است که نام بیش از ۷۰ سوره‌اش از مسائل انسانی گرفته شده است و بیش از ۳۰ سوره‌اش از پدیده‌های مادی و تنها ۲ سوره‌اش از عبادات! آن هم حج و نماز!

کتابی است که شماره آیات جهادش با آیات عبادتش قابل قیاس نیست...

این کتاب از آن روزی که به حيله دشمن و به جهل دوست لایش را بستند، لایه‌اش مصرف پیدا کرد و وقتی منتش متروک شد، جلدش رواج یافت و از آن هنگام که این کتاب را — که خواندنی نام دارد — دیگر نخواندند و برای تقدیس و تبرک و اسباب کشی بکار رفت، از وقتی که دیگر درمان دردهای فکری و روحی و اجتماعی را از او نخواستند، وسیله شفای امراض جسمی چون درد کمر و باد شانه و ... شد و چون در بیداری رهایش کردند، بالای سر در خواب گذاشتند و بالاخره، اینکه می‌بینی؛ اکنون در خدمت اموات قرارش داده‌اند و نثار روح ارواح گذشتگانش و ندایش از قبرستان‌های ما به گوش می‌رسد.

۱۱- قرآن! من شرمنده توام:

قرآن! من شرمنده توام اگر از تو آواز مرگی ساخته‌ام که هر وقت در کوچه مان آوازت بلند می‌شود همه از هم می‌پرسند "چه کس مرده است؟" چه غفلت بزرگی که می‌پنداریم خدا ترا برای مردگان ما نازل کرده است.

قرآن! من شرمنده توام اگر ترا از یک نسخه عملی به یک افسانه موزه نشین مبدل کرده‌ام.

یکی ذوق می‌کند که ترا بر روی برنج نوشته، یکی ذوق میکند که ترا فرش کرده، یکی ذوق می‌کند که ترا با طلا نوشته، یکی به خود می‌بالد که ترا در کوچک‌ترین قطع ممکن منتشر کرده و ... آیا واقعا خدا ترا فرستاده تا موزه سازی کنیم؟

قرآن! من شرمنده توام اگر به یک فستیوال مبدل شده ای حفظ کردن تو با شماره صفحه، خواندن تو از آخر به اول، یک معرفت است یا یک رکورد گیری؟ ای کاش آنان که ترا حفظ کرده اند، حفظ کنی، تا این چنین ترا اسباب مسابقات هوش نکنند.

خوشا به حال هر کسی که دلش رحلی است برای تو.

انان که وقتی ترا می خوانند چنان حظ می کنند، گویی که قرآن همین الان به ایشان نازل شده است. آنچه ما با قرآن کرده ایم تنها بخشی از اسلام است که به صلیب جهالت کشیدیم.

۱۳- سید جمال الدین اسدآبادی :

«...آقایان! مدینه ی فاضله انسانی و صراط مستقیم بشری قرآن مجید است... و ضامن سعادت دارین و فوز نشاتین است. آه، آه، چه سان از فرط غفلت مهجور شده...»

آه، آه، چه سان فواید قرآن امروز، از فرط جهل و غفلت منحصر در امور ذیل شده است:

تلاوت بالای قبور شب های جمعه، مشغولیت روزه داران، بازیچه ی مکتب، قسم دروغ، مایه ی گدایی، زینت قنطاق، بازوبند نانوا، گردن بندبچه، حمایل مسافرین، سلاح جن زده ها، مقدمه ی انتقال اسباب و اثاثیه منزل، حرز زورخانه کار، سرمایه فروش ها

آه، واسفایک سوره «والعصر»، که سه آیه بیش نیست، نهضت مسلمانان صدر اسلام را بوجود آورد و موجب تشکیل اصحاب صُفّه شد. اما افسوس...»

۱۴- قرآنی که ما می خوانیم آسایش بخش است نه آرامش بخش؛ و حال آنکه قرآن آرامش بخش است نه آسایش بخش

۱۵- از نگاه فلسفی هر چیزی در عالم چهار وجود دارد :

۱- وجود لفظی ۲- وجود کتبی ۳- وجود ذهنی ۴- وجود خارجی

اگر شما لفظ نان را ۱۰۰۰ بار بنویسی و ۱۰۰۰ بار ذکر نان را بگوئی و ۱۰۰۰ بار نان را در ذهن مبارک تصور کنی آیا شما ذره ای سیر می شوی؟؟؟ مسلم نه

آنچه که ما را سیر می کند وجود لفظی و کتبی و ذهنی نان نیست بلکه وجود خارجی نان است

آنچه که ما را سیراب می کند وجود لفظی و کتبی و ذهنی آب نیست بلکه وجود خارجی آب است

آنچه که باعث نورانیت فضا می شود وجود لفظی و کتبی و ذهنی نور نیست بلکه وجود خارجی نور است

همینطور هست در باب قرآن؛ قرآن نیز چهار وجود دارد

الف) وجود کتبی قرآن؛ می شود قرآن عثمان طه و مهد این قرآن می شود کشور ترکیه

ب) وجود لفظی قرآن؛ که نماد این قرآن می شود قاریان مصری و مهد این قرآن می شود کشور مصر

ج) وجود ذهنی قرآن؛ که نماد این قرآن می شود حافظان قرآن و مهد این قرآن می شود مراکش پاکستان



د) وجود عینی و خارجی قرآن؛ که نماد این قرآن می شود علماء و شهداء و مهد این قرآن می شود جمهوری اسلامی ایران؛ کشوری با عزت و اقتدار

آنچه ما را و کشور ما را نجات می دهد نه وجود کتبی قرآن است نه وجود لفظی قرآن است و نه وجود ذهنی قرآن بلکه منجی ما وجود عینی و خارجی و حقیقی قرآن است.

پرداختن به وجود کتبی و لفظی و ذهنی قرآن خوب بهانه ای شده برای فرار از محقق ساختن وجود خارجی و عملی قرآن.

به اسم قرائت و کتابت و حفظ و تفسیر قرآن خوب خیال خودمان را راحت کرده ایم و فکر کرده ایم که این یعنی آخر دین داری؛ غافل از آنکه آغاز را با پایان اشتباه گرفته ایم.

اگر « كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ » الفجر: ۱۷ را با ۷ قرائت که نه بلکه با ۷۰ قرائت بخوانی و با ۷۰ نگارش حکاکی کنی و با ۷۰۰ تفسیر ، موشکافی کنی اما بدان عمل نکنی باز هم قرآن بر سر تو فریاد می زند که « كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ! » و تو می شوی مصداق « فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ » الماعون: ۴ و مجسمه « أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْذِّينِ » الماعون: ۱ چرا که تو همان « فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ » می باشی که هزاران هزار یتیم را می بینی و خون سرد و بی خیال از کنار آنان می گذری و برای نان و نام خود تلاش می کنی !!!

تقوای ما تقوای گریز است نه تقوای ستیز؛ نشان به آن نشان که هزاران هزار قاری و حافظ و مفسر وحی داریم اما دی اکسید کربن فقر و فساد و تبعیض، اکسیژنی برای شیعیان علی (علیه السلام) نگذاشته و مسمومیت علمی و عملی همه را از پای درآورده و من و تو اهل قعودیم و سکوت نه قیام و خروش. چرا که ما دنبال قرآنی هستیم که آیه قل إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى را نداشته باشد و معرفت آن فدای منفعت آن شده باشد.

تو چطور می توانی خود را دیندار و حافظ و قاری و مفسر قرآن بدانی در حالی که می بینی در جامعه هزاران هزار منکر و مفسد وجود دارد و تو صدایت را بلند نمی کنی؟ لَوْ لَا يَنْهَتْهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْأَثَمَ وَ أَكَلِهِمُ السُّحْتَ (مائده ۶۳) چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟

تو چطور می توانی حافظ حروفی باشی که حدودش ضایع گشته اما رگی از گردن تو سرخ نگشته؟

تو چطور می توانی مروج آهنگی (آهنگ قرآن) باشی که فرهنگش (فرهنگ قرآن) مهجور گشته و تو از غصه نمی میری؟

آنچه که باعث تربیت افرادی همچون ابودر ها و سلمان ها می شود آهنگ قرآن نیست (چرا که خوارج غرق در آهنگ قرآن بودند) بلکه فرهنگ قرآن است

فرهنگ قرآن، ابودر و مقداد و... و در رأس همه علی(ع) را تحویل جامعه بشریت داده است. اما آهنگ قرآن استاد عبدالباسط و منشاوی و... دیگران را تحویل جامعه می دهد. که فاصله بین این دو، از زمین تا آسمان است.

یک گوسفند را در نظر بگیرید. گوشت این حیوان به مصرف مؤمنین می رسد و آنها از آن حرکت و انرژی و زندگی می گیرند. با پوست آن را هم می توان طبلی ساخت و بر آن کوبید و نواهای زیبایی شنید.

آنچه در جامعه ما بیشتر سروصدا دارد، همان طبلی است که احتمالاً صداهای خوشی هم دارد و باعث آرامش هایی هم می شود

چنانکه قرآن را بر ملکولهای آب خوانده اند و آرایش زیبایی گرفته است اما همه اینها کار خوردن یک صبحانه را نمی کند. روح و بدن انسان نیاز به چیز دیگر دارد. انسان نیاز به نور قرآن دارد.

علی(ع): الا لا خیر فی قرائه لیس فیها تدبیرٌ بحار ج ۷۸ ص ۷۵

۱۶- کربلائی کاظم ظاهر و باطن قرآن را می دانسته و معمولاً برای امتحان کردن او سوالاتی از قبیل فلان حرف چند بار در قرآن آمده است و از اینجور سوالات آبکی از ایشان می پرسیده اند. ایشان در آخر عمر خود گله داشتند که چرا از ایشان سوالات ریشه ای نمی کنند و فقط از تعداد حروف سوال می کنند.

## فصل چهارم: انتظار قرآن از ما

آیا ما در آهنگ قرآن به سر می بریم یا در فرهنگ قرآن؟ آیا ما حافظ حروف قرآنیم یا حافظ حدود قرآن؟ آیا به پوسته قرآن چسبیده ایم یا هسته قرآن؟ آیا ظاهر قرآن را می بینیم یا باطن قرآن را؟ آیا ظرف قرآن را می بینیم یا مظهر قرآن را؟

۱- وای بر دینداری ما که با قرآن همجوار شدیم اما هم جهت نه، هم درد شدیم اما همراه نه، هم غصه شدیم اما هم قصه نه، هم آهنگ شدیم اما هم فرهنگ نه، قرآن را درشت نوشتیم اما درست نه؛ قرآن را روی سر گذاشتیم اما توی سر نه، وای بر دینداری ما که پوسته قرآن را بر سر گذاشتیم و هسته قرآن را در کوی و برزن پاره پاره نمودیم....

۲- قرآن محافظ می خواهد نه حافظ؛

قرآن حافظ حدود می خواهد نه حافظ حروف؛ مهم تر از حفظ حروف قرآن حفظ حدود قرآن است آری دستانی که کمک می کنند به مراتب مقدس ترند از لبانی که دعا می خوانند.

۳- مهم تر از آهنگ قرآن فرهنگ قرآن است؛ نتیجه آهنگ قرآن مسلمان شناسنامه ای است و نتیجه فرهنگ قرآن سلمان؛ آنهم نه سلمان فارسی بلکه سلمان محمدی (ص)

فاصله محب تا شیعه فاصله آهنگ است تا فرهنگ آیا ما در آهنگ قرآن به سر می بریم یا در فرهنگ قرآن؟  
از آهنگ قرآن به فرهنگ قرآن باید برسیم

قرآن باید از «زاویه» به «صحنه» و از «لفظ» به «عینیت» درآید

۴- فرهنگ قرآن، فرهنگ طیب است نه طباخ؛

طباخ هر آنچه را که بخواهی به تو می دهد اما طیب آنچه را که به نفعت هست به تو می دهد ولو آمپول و تیغ جراحی

۵- یا رسول الله چه کسی دارای بهترین صوت است؟ پیامبر (ص): کسی که چون به قرائتش گوش دهی، بنگری که از خدا می ترسد.

۶- ما با قرآن مخلوط شده ایم اما ترکیب نه؛ براده های آهن با خاک مخلوط می شود اما با یک آهن ربا به راحتی جدا می شود اما آب و شکر با هم ترکیب می شود ولی دیگر از هم جدا نمی شود؛ با قرآن باید ترکیب شد نه مخلوط

۷- بعضی ها می گویند هرچه قرآن می خوانیم ولی کم می فهمیم چرا؟ ج: اگر لیوانی راببری زیر آب فشار قوی چقدر در آن آب می ماند؟ خیلی کم چه باید کرد؟ آب را باید کم کرد یا ظرفیت را باید زیاد کرد؟ شلنگ آتش نشانی را باید دو نفر با قدرت بگیرند خذالکتاب بالقوه در قرآن ۲ بار آمده

۸- وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أُنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (اعراف ۲۰۴) فَاسْتَمِعُوا لَهُ یعنی عاقلانه گوش بده و أُنصِتُوا یعنی عاشقانه دل بده

۹- پیامبر (ص): رَبُّ تَالِ الْقُرْآنُ وَالْقُرْآنُ یلَعْنَهُ بحار ج ۹۲ ص ۱۸۴

## فصل پنجم: قرآن از نگاه بزرگان

۱ - حضرت امام (ره):

هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! بپاییزید و قرآن کریم را از شر جاهلان مُتَسَنِّک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید. و این جانب از روی چِد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را مَحْطاً نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده

صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۹۳

۲- ملاصدرا قدس سره در مقدمه تفسیر سوره واقعه می‌گوید:

بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم؛ ولی همین که کمی بصیرتم باز شد، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبّر در قرآن و روایات محمد و آل محمد علیهم السلام بروم. یقین کردم که کارم بی‌اساس بوده است؛ زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید، تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبّر در قرآن کردم، در خانه‌ی وحی را کوییدم، درها باز شد و پرده‌ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می‌گویند: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر ۷۳)

۳- فیض کاشانی قدس سره از فیلسوفان و فقیهان و مفسران بزرگ عالم تشیخ، در رساله انصاف آورده است:

مدّت‌ها در مطالعه مجادلات متکلمان فرو رفتم و کوشش‌ها کردم، ولی همه آن بحث‌ها از جهل من بود. مدّت‌ها در راه فلسفه به تعلم و تفهم پرداختم و بلندپروازی‌هایی را در گفتارشان دیدم. مدت‌ها در گفتگوی این و آن بودم؛ کتاب‌ها و رساله‌ها نوشتم و گاهی میان سخنان فلاسفه و متصوفه و متکلمین جمع‌بندی کردم و حرف‌ها را به هم پیوند دادم، ولی در هیچ‌یک از علوم، دواپی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم. بر خود ترسیدم و به سوی خداوند فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد.

نکته مهم: ندامت بزرگان از پرداختن به علوم رسمی با نگاه آیه الله العظمی جوادى آملى (حفظه الله تعالى):

نکته مهمی که در کلمات سیدحیدر آملى (قدس سره) و مانند آن یافت می‌شود آن است که بزرگان کلام و فلسفه در پایان عمر خود اظهار ندامت کرده اند که چرا در محدوده علم حصولی توقف کرده و به قلمرو علم حضوری بار نیافتند و چرا از کنگره عقل به برج بلند شهود پرواز نکرده اند؛ نه آنکه چرا از هیرم عقل به زیر نیامدند و در بستر نقل و جمود بر ظاهر لفظ و پرهیز از تفکر آزاد و اجتناب از سیر در بطون کتاب و سنت معصومین (علیهم السلام) نخوابیدند

مثلاً اگر شیخ بهائی (قدس سره) که عمری را به تدریس علوم عقلی پرداخته سرانجام چنین می‌سراید:

از کاسه زهر دوا طلبی

تا کی ز شفا شفا طلبی

مقصود ندامت بر اکتفا به علوم رسمی و حرمان از شهود عرفانی است؛ نه طرد تعقل و تن دادن به تقلید در معارف یا تعطیل عقل از سیر و فحص و غور و غوص در متون عمیق دینی...

غرض آنکه، آنچه از بزرگان کلام و فلسفه در این زمینه رسیده است ناظر به لزوم تهذیب روح برای نیل به بلندای شهود عرفانی است؛ نه تنزل از برهان به خطابه و انحطاط از تعقل به تعطیل یا تقلید و مانند آن؛ و آنچه بین ارباب برهان و عرفان در خدمت قرآن می گذرد همانا سیر از حصول به حضور و تعالی از برهان به عرفان و تکامل از علم اِسمی به علم ارثی است (تحریر\_تمهید\_القواعد ج. ۱، صفحه ۹۴)

۴- شهید مطهری :

عجبا که خود نسل قدیم قرآن را متروک و مهجور کرده، آن وقت از نسل جدید گله دارد که چرا با قرآن آشنا نیست. قرآن در میان خود ما مهجور است و توقع داریم نسل جدید به قرآن بچسبد

ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست؟ چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند، حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند؟ البته جای تأسف است که اینطور است. اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن که در مدارس است توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟! عجبا که خود نسل قدیم قرآن را متروک و مهجور کرده، آن وقت از نسل جدید گله دارد که چرا با قرآن آشنا نیست. قرآن در میان خود ما مهجور است و توقع داریم نسل جدید به قرآن بچسبد. الان ثابت می‌کنم که چگونه قرآن در میان خود ما مهجور است

اگر کسی علم قرآن باشد یعنی در قرآن زیاد تدبر کرده باشد، تفسیر قرآن را کاملاً بداند، این آدم چقدر در میان ما احترام دارد؟ هیچ. اما اگر کسی "کفایه" بخوند ملا کاظم خراسانی (یا کتب فلسفه فیلسوفان غربی و همچنین آشنایی با ادبیات و عرفانهای غربی و شرقی) را بداند یک شخص محترم و با شخصیتی شمرده می‌شود. پس قرآن در میان خود ما مهجور است و در نتیجه همین اعراض از قرآن است که به این بدبختی و نکبت گرفتار شده‌ایم. ما مشمول شکایت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) هستیم که به خدا شکایت می‌کند: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» و پیامبر گفت: پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کردند»

در رهبری نسل جوان، بیش از هر چیز دو کار باید انجام شود: یکی باید درد این نسل را شناخت و آنگاه در فکر درمان و چاره شد. بدون شناختن درد این نسل هرگونه اقدامی بی‌مورد است. دیگر این که نسل کهن باید اول خود را اصلاح کند. نسل کهن از بزرگترین گناه خود باید توبه کند و آن مهجور قرار دادن قرآن است

یکی از فضایل خودمان، می‌گفت خدمت آیه الله خوئی رسیدم، به ایشان گفتم چرا شما درس تفسیری که سابقاً داشتید ترک کردید؟ (ایشان در هفت هشت سال پیش درس تفسیری در نجف داشتند، و قسمتی از آن چاپ شده) ایشان گفتند موانع و مشکلاتی هست در درس تفسیر. گفت من به ایشان گفتم: علامه طباطبائی در قم که به این کار ادامه دادند و بیشتر وقت خودشان را صرف این کار کردند چطور شد

ایشان گفتند: آقای طباطبائی "تضحیه" کرده‌اند. یعنی آقای طباطبائی خودشان را قربانی کردند، از نظر برخی موقعیت‌های اجتماعی ساقط شدند. و راست گفتند. عجیب است که در حساسترین نقاط دینی ما اگر کسی عمر خود را صرف قرآن بکند، به

هزار سختی و مشکل دچار شود، از نان، از زندگی، از همه چیز می‌افتد و اما اگر عمر خود را صرف کتاب‌هایی از قبیل کفایه بکند صاحب همه چیز می‌شود. در نتیجه هزارها نفر پیدا می‌شوند که کفایه را چهار لا بلدند، یعنی خودش را بلدند، ردّ کفایه را هم بلدند، ردّ او را هم بلدند، اما دو نفر پیدا نمی‌شود که قرآن را به درستی بدانند! از هر کسی درباره یک آیه قرآن سؤال شود می‌گوید باید به تفاسیر مراجعه شود. عجب‌تر این که این نسل که به قرآن اینطور عمل کرده از نسل جدید توقع دارد که قرآن را بخواند و قرآن را بفهمد و به آن عمل کند! اگر نسل کهن از قرآن منحرف نشده بود قطعاً نسل جدید منحرف نمی‌شد. بالاخره ما کاری کرده‌ایم که مشمول نفرین پیغمبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن شده‌ایم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) درباره قرآن فرمود «انه شافع مشفع و ماحل مصدق» (قرآن شفاعتگری مورد پذیرش و شکایت کننده‌ای مورد تصدیق می‌باشد)؛ توضیح آنکه یعنی قرآن در نزد خدا و در پیشگاه حقیقت وساطت می‌کند و پذیرفته می‌شود و نسبت به بعضی که به او جفا کرده‌اند سعایت می‌کند و مورد قبول واقع می‌شود.

هم نسل قدیم و هم نسل جدید به قرآن جفا کردند و می‌کنند. اول نسل قدیم جفا کرد که حالا نسل جدید جفا می‌کند. در رهبری نسل جوان، بیش از هر چیز دو کار باید انجام شود: یکی باید درد این نسل را شناخت و آنگاه در فکر درمان و چاره شد. بدون شناختن درد این نسل هرگونه اقدامی بی‌مورد است

دیگر این که نسل کهن باید اول خود را اصلاح کند. نسل کهن از بزرگترین گناه خود باید توبه کند و آن مهجور قرار دادن قرآن است. همه باید به قرآن بازگردیم و قرآن را پیشاپیش خود قرار دهیم و در زیر سایه قرآن به سوی سعادت و کمال حرکت کنیم

ده گفتار

۵- مجلسی در مقدمه بحارالانوار ذکر می‌کند:

سبب تألیف کتاب این است که من در دانش آموزی در انواع علوم حریص بودم و بعد از سپری کردن بخشی از عمر در دانش‌های گوناگون و اندیشیدن به ثمرات و غایات این علوم دریافتم که علم، تنها از چشمه وحی و روایات اهل بیت(ع) حاصل می‌شود و در آخرت تنها این دانش سودمند است. از این رو به اخبار و روایات معصومین(ع) پرداخته‌ام.

۶- علامه اقبال لاهوری دانشمند و متفکر معروف پاکستانی طی نامه ای به خواهرش نوشت :

هنگامی که نگاهی به زندگی گذشته ام می‌کنم ، بسیار متأسف می‌شوم که چرا قسمت عمده عمرم را در مطالعات فلسفه اروپا تلف کردم . خدا به من نیروی فکری عطا کرده بود . اگر این نیرو را در مطالعه و تحقیق علوم دینی صرف می‌شد لاقلاً خدمتی به دین اسلام انجام می‌دادم

۷- علامه امینی :

«اگر در قیامت، خداوند ما را مواخذه کند که آیا کتاب من از سایر کتب درسی متداول حوزه ها کم ارج تر بود که به تدریس آنها اهتمام نورزیدید، چه بگوییم؟» آیه الله مدنی بعد از شنیدن این جمله شروع به تدریس تفسیر در نجف نمود

۸- آیه الله مشکینی :

قال الشيخ بیش از قال الله گفتم ( توجه به کتاب مخلوق بیش از کتاب خالق است؟ )

۹- آیه الله وحید خراسانی :

ایشان به مناسبتی در دروس خود در مسجد اعظم نکته‌ای فرمود: (نوار آن موجود است.) که آیا ما در علم اصول و تأمل‌های کفایه بیشتر تعمق کرده‌ایم یا در قرآن...؟!

۱۰- حجت الاسلام و المسلمین قرائتی :

در علم اصول به ما گفته‌اند که اشتغال یقینی برائت یقینی لازم دارد. اگر وظیفه‌ای به دوش شما آمد باید آنقدر عمل کنی، تا مطمئن شوی که به وظیفه عمل کرده‌ای مثلاً: لباس نجس شده باید آنقدر آب بریزی تا مطمئن شوی که پاک شده. یا در مکه می‌گویند سنگ به فلان ستوان (رمی جمرات) بزنی، اگر شک داریم ۶ یا ۷ سنگ ریزه زده‌ام باید آنقدر بزنی تا خاطرمان جمع شود. آیا ما با این کارهای فرهنگی امروز برائت پیدا می‌کنیم یا نه؟

ما مدیون قرآن هستیم، و باید آنقدر کار کنیم تا دینمان اداء شود و با این تلاوتها و ترتیل و تواشیح از دین قرآن بیرون نمی‌آییم.

یعنی اگر از ما سؤال کنند که تو در برابر وحی چه کردی آیا می‌توانیم مطالعات و تدریس و تحصیل رسمی خود را مطرح کنیم و برائت پیدا کنیم؟

۱۱- الهی نامه علامه حسن زاده آملی :

الهی! در فکر فهمیدن حروف مقطعه کتاب بدین جارسیدم که تمام کلمات حروف مقطعه اند. خنک آن که اهل قرآن است.

الهی! این روزگار، طوفانی تر از طوفان نوح است و قرآن، کشتی نجات. خوشا به حال اصحاب السفینه!

الهی! امشب، که شب قدر است، همه قرآن به سر می‌کنند، حسن را توفیق ده که قرآن به دل کند!

۱۲- پروفیسور حسابی و محققان قرآنی انگلیسی :

نقل است که یک بار پروفیسور حسابی می‌بیند که چند دانشمند روی کتابی متمرکز شده‌اند و با یک حرص و ولع خاصی دارند آن را مباحثه می‌کنند پروفیسور فکر می‌کند کتاب فیزیک یا شیمی است و شاید یک نظریه علمی جدید است که دانشمندان اینگونه دارند به آن توجه می‌کنند وقتی نزدیک تر می‌شود و اسم کتاب را می‌پرسد می‌شنود قرآن؛ پروفیسور با تعجب می‌گوید: قرآن! این که کتاب ما مسلمانها است دست شما چه می‌کند؟ آنها در پاسخ می‌گویند: حالا حالاها شما مسلمانها مانده تا بفهمید در قرآن چی نوشته شده!

۱۳- ارنست رنان، نویسنده، مورخ و متفکر بزرگ فرانسوی :

در کتابخانه شخصی من هزاران جلد کتاب سیاسی، اجتماعی، ادبی و غیره وجود دارد که همه آنها را بیشتر از یکبار مطالعه نکرده‌ام و چه بسا کتاب‌هایی که فقط زینت کتابخانه من می‌باشند ولی یک جلد کتاب است که همیشه مونس من است و هر وقت خسته

می‌شوم و می‌خواهم درهایی از معانی و کمال بر روی من باز شود آن را مطالعه می‌کنم و از مطالعه زیاد آن خسته و ملول نمی‌شوم. این کتاب، قرآن کتاب آسمانی است

۱۴- ناپلئون بناپارت :

تازمانیکه این قرآن در بین مسلمین حکومت کند، و در پرتو تعالیم عالیه این برنامه جامع، زندگی کنند، مسلمین تسلیم ما نخواهند شد، مگر ما بین آنها و قرآن جدایی بیفکنیم.

۱۵- گلاستون، نخست وزیر یهودی مسلک دستگاه استعمار انگلیس، خشمگینانه به اهمیت قرآن در بین مسلمانان اشاره می‌کند و درحالی که قرآن را بر، تربیون مجلس انگلیس می‌گوید، می‌گوید:

«تا این کتاب در میان مسلمانان باشد، امنیت و اطاعت سرزمین‌های مسلمان نشین در برابر استعمار انگلیس محال است» تا این کتاب (قرآن) باشد سیادت انگلستان در ممالک اسلامی محال است قرآن بر فراز اعصار ص ۱۴

۱۶- اعتراف گوته دانشمند و شاعر پیرامون قرآن :

سالیان دراز کشیشان از خدا بی‌خبر ما را از پی بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن دور نگه داشتند، لیکن در اثر پیشرفت علم و دانش پرده‌ی جهل و تعصب نابجا برداشته شد و عنقریب (بزودی) این کتاب توصیف ناپذیر توجه افراد بشر را به خود جلب کرده و محور افکار مردمی می‌گردد

۱۷- اعتراف شارل فرانسیس دانشمند بزرگ پیرامون قرآن :

انجیل کتابی است که در آمریکا کسی آنرا نمی‌شناسد ولی قرآن کتابی است که هر مسلمانی به آن آشنا است. این ادعا گزاف نیست یک واقعیت است ولی باید گفت نشناختن انجیل از خوش‌شانسی‌هی مذهب مسیحیت است

۱۸- اعتراف لپیری دانشمند فرانسوی پیرامون قرآن :

اگر اسلام و مسلمین در تاریخ پیدا نمی‌شدند حیات علمی اروپا تا چند قرن عقب می‌افتاد

۱۹- دکتر جرینه مسلمان فرانسوی می‌گوید :

من در تمام آیات قرآنی که در زمینه علوم طبیعی و بهداشتی و طبّی بود مطالعه کردم و آن‌ها را به خوبی فهمیدم و با علوم جدید منطبق دیدم از این رو مسلمان شدم زیرا یقین کردم که محمد (ص) متجاوز از هزار سال پیش بدون این که معلّم بشری داشته باشد، حق را بیان کرده است اگر هر عالمی آیات مربوط به علم خود را در قرآن مطالعه کند و خود را از غرض دور نگه دارد، بدون تردید مانند من مسلمان خواهد شد.

۲۰- دکتر هانری گرین، اسلام‌شناس معروف فرانسوی می‌گوید:



اگر قرآن خرافی بود و از جانب خداوند نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد که بشر را به علم و تعقل و تفکر دعوت کند. هیچ اندیشه‌ای به اندازه قرآن محمد(ص) انسان را به دانش فرا نخوانده است تا آن جا که نزدیک به نه صد و پنجاه بار در قرآن، از علم و عقل و فکر سخن رفته است.

۲۱- کونت ادوارد گیوجا دانشمند ایتالیایی می‌گوید :

من در پیرامون ادیان قدیم و جدید، تحقیق فراوان نموده و آن‌ها را با دقت مورد مطالعه قرار دادم تا در نتیجه به دست آوردم که یگانه آئین آسمانی و حقیقی اسلام است، و کتاب آسمانی این دین، یعنی قرآن مجید، تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی بشر را تضمین کرده و او را به کمالات اخلاقی و روحی، سوق می‌دهد و رهبری می‌نماید .

## فصل ششم: ناله هدهدی نزد سلیمان ها

نامه دردمندانه و سوزمندانه مفسر قرآن و رئیس ستاد اقامه نماز حجت الاسلام و المسلمین قرائتی به فرهنگیان قرآنی جامعه به ویژه مبلغین و دلسوزان قرآن درباره مهجوریت قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت سروران گرامی

سلام علیکم

طبق معمول هر سال همین که به ماه رمضان نزدیک می شویم دقایقی از وقت شما را راجع به مهمترین مسئله می گیرم و از اینکه کار قرآن به جایی رسیده که باید مثل من این حرفها را بزند (که از دهانم بزرگتر است) شرمندم ام.

۱- آیا می دانید که در همه مساجد در شب قدر دعای شریف جوشن کبیر و عزاداری و مراسم قرآن سر گرفتن بحمدالله برگزار می شود اما چرا در شب قدر که شب نزول قرآن است تفسیر رنگی ندارد؟

۲- آیا می دانید سرگرم شدن به چاپ و صوت و تجوید و ظاهر قرآن بیش از توجه به محتوای قرآن است؟

۳- آیا می دانید به ما دستور داده اند که هر گاه فتنه های زیاد مانند پاره هایی از شب تار به شما روی آورد به قرآن پناه ببرید؟ (فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ)

۴- آیا می دانید بعضی به اسم این که دین از سیاست جداست به صدها آیه سیاسی بی توجهی می کنند؟

۵- آیا می دانید آن مقدار که در متون آموزش و پرورش و دانشگاه کلمات عربی را تزریق می کنند کارساز نیست و فارغ التحصیلان ما نمی توانند اکثراً یک صفحه قرآن را بی غلط بخوانند؟

۶- آیا می دانید بعضی به خیال اینکه قرآن از فهم بشر بالاتر است و فهم آن مخصوص اهل بیت است از تدبیر در آن می ترسند، با اینکه خداوند دستور به تدبیر داده است و در حدیث می خوانیم: من زعم ان کتاب الله مبهم فقد هلك و اهلك راستی اگر قرآن را نمی توان فهمید پس چگونه به ما دستور داده اند روایات را بر قرآن عرضه کنیم و اگر ضد آن بود آن روایات را به دیوار بزنیم؟

۷- آیا می دانید مهجوریت قرآن غافلانه نیست زیرا در قرآن می خوانیم در روز قیامت پیامبر(ص) می فرماید: پروردگارا قوم من قرآن را مهجور گرفتند و نمی فرماید قرآن نزد قوم من مهجور بود و مهجور گرفتن با توجه و عمد است؟ وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

۸- آیا می دانید آیه وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا چه معنایی دارد:

الف: در پر خطر ترین دادگاه یعنی روز قیامت

ب: نزد عالی ترین قاضی یعنی خداوند

ج: از محبوبترین و بالاترین مقام هستی یعنی پیامبر(ص)

د: شکایت توسط کسی است که مظهر رحمه للعالمین است.

ه: شکایت پدر از فرزند است انا و علی ابوا هذه الامه

و: شکایت حتمی است چون با فعل ماضی آمده است. وَ قَالَ الرَّسُولُ

ز: شکایت با استمداد از کلمه یا رب است.

ح: شکایت از کسی است که امید شفاعت از او داریم. وِیلَ لِمَن كَانَ شَفَعَاةَ خِصْمَائِهِ؟

۹- آیا می دانید بعضی ها نمی توانند قرآن بخوانند؟

بعضی به غلط می خوانند.

بعضی که می توانند درست بخوانند نمی خوانند.

و بعضی که می خوانند تدبیر نمی کنند.

و بعضی به آن عمل نمی کنند.

و بعضی قرآن را محور کار خود نمی دانند و در درسها و سخنرانی ها و نوشته به قرآن اولویت نمی دهند.

و بعضی قرآن را تنها برای مهریه عروس، بالای سر مسافر، سوگند یاد کردن، کتاب استخاره و امثال آن می خوانند.

۱۰- آیا می دانید مثال ما مثال بیماری است که بجای مصرف دارو مشغول چیدن و تنظیم انواع قرص هاست؟

۱۱- آیا می دانید مثال ما مثال مهمانی است که به جای گوش دادن به سخنان صاحبخانه به نقش و نگار در و پنجره توجه می کند؟

۱۲- آیا می دانید گروهی به جای تدبیر در قرآن و پیام و الهام گرفتن از آن و عمل به آن به سراغ حواشی آن می روند و بیشتر عمر

خود را صرف مباحث علوم قرآن مانند محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تاویل، شان نزول، تاریخ کتابت، تاریخ ترجمه، تاریخ تفسیر،

طبقات مفسرین، تفاوت کتب تفسیری و امثال این بحث ها می کنند؟ (البته بعضی از این بحث ها نظیر بحث اعجاز و بحث سلامت

از تحریف ضروری است اما صرف بیشتر عمر به این علوم مانند کسی است که به جای شنا در استخر، دور استخر می دود؟)

توضیح :

۸۰٪ توان قرآنی ما صرف آن فعالیت های قرآنی می شود که ۲۰٪ خروجی دارد

اما فقط ۲۰٪ توان قرآنی ما صرف آن فعالیت های قرآنی می شود که ۸۰٪ خروجی دارد

- ۱۳- آیا می دانید بعضی بجای بیان روح قرآن آنقدر به نقل اقوال می پردازند که خود قرآن در آن اقوال گم می شود و بعضی آنقدر احتمالات متعددی را مطرح می کنند که حتی محکمت قرآن، متشابه می شود؟
- ۱۴- بعضی وارد گود عرفان، بعضی وارد تحقیق مفصل روی لغات، بعضی در مقام نقل شان نزول های متعدد و بعضی قرآن را به دون توجه به روایات معتبر رسیده از اهل بیت(ع) تفسیر می کنند؟ در حالی که خود قرآن به ما می فرماید: وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا یعنی سخنان پیامبر(ص) را که خود مستقیماً فرموده و یا به اهل بیت ارجاع داده باید بگیریم و در روایات متواتر می خوانیم بین قرآن و اهل بیت هرگز جدایی نیست و اگر به هر دو تکیه کنید هرگز گمراه نمی شوید؟
- ۱۵- آیا می دانید در بسیاری از سخنرانی ها سهم تاریخ، تحلیل سیاسی، شعر و خواب و خطابه و روضه و امثال آن داده می شود ولی سهم قرآن داده نمی شود با اینکه خداوند به پیامبر(ص) می فرماید سخنرانی تو باید درباره بیان قرآن باشد لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؟
- ۱۶- آیا می دانید هزاران پایان نامه در علوم قرآن نوشته می شود ولی این پایان نامه ها در دانشگاه ها بایگانی و جامعه از آن خیری نمی بیند؟
- ۱۷- آیا می دانید در دانشگاه های قرآن و حدیث سرفصلهای علوم قرآن کاربردی نیست و نیازسنجی نشده است؟
- ۱۸- آیا می دانید تلاوت زیبا در مواردی به هنرنمایی تبدیل شده است؟
- ۱۹- آیا می دانید در آموزش صرف و نحو از آیات قرآن و روایات کمتر استفاده می شود؟
- ۲۰- آیا می دانید فیلم های کوتاهی با مضامین قرآنی نایاب است؟
- ۲۱- آیا می دانید تفسیر ساده برای نوجوانان نایاب است؟
- ۲۲- آیا می دانید بیان صحیح از قصه های قرآن برای نوجوانان نایاب است؟
- ۲۳- آیا می دانید موقوفات برای قرآن کمیاب است؟
- ۲۴- آیا می دانید نذر تلاوت قرآن نایاب است؟
- ۲۵- آیا می دانید توجه به قرآن در نام شبی با قرآن مطرح می شود؟ آیا درست است که بگوییم شبی با اکسیژن و یا شبی با سلامتی؟
- ۲۶- آیا می دانید در بسیاری از حوزه ها و نزد بسیاری از مدرسین تدبیر در قرآن درس جنبی است نه اصلی؟
- ۲۷- آیا می دانید توجه به کتاب مخلوق بیش از کتاب خالق است؟
- ۲۸- آیا می دانید که به آیه خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ عمل نکرده ایم؟
- ۲۹- آیا می دانید اگر کتاب آسمانی را به پا نداریم خداوند لقب پوچی به ما داده است؟ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا

التَّورَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ<sup>۱</sup>

۳۰- آیا می دانید کلمه اقامه در قرآن در چهار جا به کار رفته است:

أَقِيمُوا الدِّينَ

أَقِيمُوا الْوَزْنَ

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ

وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّورَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ.

۳۱- آیا می دانید اگر ما کتاب آسمانی را بپا داریم وضع اقتصادی ما بسیار خوب می شود؟ وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّورَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ

إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ

۳۲- آیا می دانید باید تلاوت هر آیه ای ایمان ما را زیاد کند؟ وَ إِذَا تَلَيْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

۳۳- آیا می دانید تلاوت قرآن باید دل ما را بلرزاند؟ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

۳۴- آیا می دانید گروهی از جن همین که برای اولین بار صدای قرآن را شنیدند ایمان آوردند (يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ) و دیگران

را به پیروی از آن دعوت کردند (يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ) ولی ما این همه قرآن شنیدیم، نه دلی تکان و نه ایمانی زیاد و نه اشکی

جاری و نه رشدی اضافه و نه تبلیغی صورت گرفت؟

۳۵- آیا می دانید قرآن ذکر است إنا نحن نزلنا الذكر و اعراض از آن زندگی نکستی را به بار می آورد (وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ

لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا)

۳۶- آیا می دانید در قیامت بعضی شفاعت ها برای بعضی مفید نیست؟ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ولی شفاعت قرآن حتما کارساز

است. شافع مشفع

<sup>۱</sup> - با اینکه قرآن ناهلان را به حیوان و جماد تشبیه کرده و کلماتی نظیر «كَمَثَلِ الْجِمَارِ»، (جمعه ۵) «كَمَثَلِ الْكَلْبِ»، (اعراف ۱۷۶) «كَالْأَنْعَامِ» (اعراف ۱۷۹) و «كَالْحِجَارَةِ» (بقره ۷۴) در باره آنان به کار برده است؛ ولی در باره کسانی که کتاب آسمانی را به پا نمی دارند، می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّورَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ (۶۸ مائده)»؛ ای اهل کتاب، هیچ و پوچید مگر آنکه کتاب آسمانی را به پا دارید.

راستی آیا ما قرآن را به پا داشته ایم؟ آیا راه و روش زندگی ما بر اساس قرآن است؟ کدام فرزند را سراغ دارید که وصیتنامه پدرش را نخوانده باشد؟ چرا ما توصیه های خالقمان را نمی خوانیم و در آن تأمل نمی کنیم؟

۳۷- آیا می دانید قرآن کشتی بی سوراخ است؟ إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون ولی در نقل تاریخ، احتمال دروغ است و در روایات نیز روایات جعلی زیاد است؟

۳۸- آیا می دانید قرآن مثل دریا است که هر کسی از آن بهره ای دارد. بعضی با نگاه، بعضی با شنا، بعضی با قایق رانی، و بعضی با غواصی. قرآن نیز این گونه است که: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ.

۳۹- آیا می دانید عجایب قرآن قابل شمارش نیست؟ امیرالمومنین فرمود: لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ

۴۰- آیا می دانید عجایب قرآن کهنه شدنی نیست؟ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ

۴۱- آیا می دانید بزرگانی مانند ملاصدرا و فیض کاشانی و امام خمینی و بسیاری دیگر اقرار کرده اند که چرا بیشتر عمر خود را صرف قرآن نکرده اند؟

۴۲- آیا می دانید علمای ربانی، علمای قرآنی هستند کُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

۴۳- آیا می دانید قرآن نور است و کسی که خودش نور ندارد نمی تواند مردم را از ظلمات به نور دعوت کند؟

۴۴- آیا می دانید که عظمت ماه مبارک رمضان به روزه نیست بلکه به نزول قرآن است: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ نَفَرْنَا مِنْهُ فِيهِ الضَّيْفُ شهر رمضان الذي كتب فيه الصيام

۴۵- آیا می دانید در نمایشگاه کتاب توجه مردم به کتب تفسیری زیاد شده است؟

۴۶- آیا می دانید عزیزانی که مسیر سخنرانی های خود را به سمت قرآن سوق داده اند مخاطبین کمی و کیفی بیشتری دارند؟

۴۷- آیا می دانید اینکه پیامبر (ص) فرمود هرگز نباید بین قرآن و اهل بیت جدایی باشد بنابراین سزاوار است در کنار هر جلسه عزاداری یک جلسه قرآن هم باشد؟

۴۸- آیا می دانید که امام رضا فرمود نماز بر مردم واجب شد تا قرآن از مهجوریت بیرون آید؟ عَنِ الرَّضَا ع أَنَّهُ قَالَ قَالَ أَمِيرَ النَّاسِ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضِيْعًا

سروران گرامی باید به پا خیزیم و اگر غفلت یا تقصیر و قصوری بوده از خداوند عذر خواهی کنیم و از امروز قرآن را جدی بگیریم؟ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ

نکاتی به نظر می رسد که بیان می کنم عزم و تصمیم با شما. ولی بدانیم اگر عزم نداشته باشیم مثل پدر خود حضرت آدم قابل تویبیم که قرآن می فرماید: وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

همه به پا خیزیم و برای خدا و شادی دل پیامبر(ص) و چشیدن مزه قرآن و چشاندن آن مزه به دیگران یک نهضتی ایجاد کنیم مثلاً:

- ۱ - کسانی که توان تدریس تفسیر دارند تفسیر را وارد حوزه درسی خود نمایند. یعنی برنامه ریزی حوزه جوری باشد که هر طلبه حداقل در هر سال با یک جزء تفسیر آشنا شود.
  - ۲- اهل منبر نیمی از سخنرانی خود را به بیان آیات قرآن اختصاص دهند.
  - ۳- در همه روزنامه ها و مجلات ستونی برای فهم گوشه ای از آیات قرآن اختصاص یابد.
  - ۴- صدا و سیما از قصه ها و آیات کوتاه با هنر و نمایش و یا از مثال های قرآن با امکانات هنری خود بهره گیرد.
  - ۵- آموزش پرورش و دانشگاه تفسیر آیاتی را که هر روز با آن سر و کار داریم در متون کتاب درسی تزریق کنند.
  - ۶- موضوعاتی که برای همه مردم مورد نیاز است از قرآن استخراج شود.
  - ۷- اگر از تاریخ می گوئیم حوادث تاریخی قرآن را در اولویت قرار دهیم.
  - ۸- اگر از اخلاق می گوئیم آیات اخلاقی قرآن را مطرح کنیم.
  - ۹- اگر مثالی می زنیم یا تشبیه به کار می بریم قرآن را فراموش نکنیم.
  - ۱۰- اگر فضایل امیرالمومنین (ع) را می گوئیم آیاتی که در شان آن بزرگوار است در اولویت قرار دهیم.
  - ۱۱- اگر از حضرت مهدی (ع) و حکومت ایشان سخن می گوئیم از منابعی که قرآن و مهدویت را بررسی کرده اند استفاده نماییم؟
  - ۱۲- در عزل و نصب ها، قهر و صلح ها، ارتباط و ترک روابط، انتخاب همسر، آیین همسررداری، انتخاب شغل، عبادات و سیاست، خطوط کلی اقتصاد، حقوق، مدیریت و هر رشته دیگر اول سراغ قرآن برویم بعد نهج البلاغه و روایات معتبر، بعد سیره اهل بیت (ع) و در پایان از تجربه های تاریخی بزرگان استفاده کنیم. این آرزو آغازی است که می توان از ماه رجب و شعبان و رمضان کمک گرفت زیرا ماشین هایی که هوا گرفته در سرازیری ها روشن می شود و سرازیری عبادات و قرآن ماه رمضان است.
- در پایان، این ناله ی همدیدی بود نزد سلیمان ها که اگر سلیمان ها توجه فرمایند بالقیس های دنیا به اسلام رو خواهند آورد ولی اگر بگویند این همدید پرنده کوچکی است و حرف او الزام آور نیست حرکتی صورت نخواهد گرفت.
- و الامر الیکم و السلام

## فصل هشتم : دعای قرآنی

اللَّهُمَّ نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِالْقُرْآنِ وَ زَيِّنْ أَخْلَاقَنَا بِالْقُرْآنِ  
وَ أَصْلِحْ أُمُورَنَا بِالْقُرْآنِ وَأَشْفِ مَرَضِينَا بِالْقُرْآنِ  
وَادِّ دُيُونَنَا بِالْقُرْآنِ وَ فَرِّجْ هُمُومَنَا بِالْقُرْآنِ  
وَ اغْفِرْ لِمُوتِنَا بِالْقُرْآنِ وَ سَلِّمْ مُسَافِرِينَا بِالْقُرْآنِ  
وَ حَفِّظْ إِمَامَ زَمَانِنَا بِالْقُرْآنِ وَ عَجِّلْ فَرَجَ إِمَامِنَا بِالْقُرْآنِ  
وَ أَحْفَظْ عَلَمَانَنَا بِالْقُرْآنِ وَ أَكْشِفْ كُرُوبَنَا بِالْقُرْآنِ  
وَ أَحْفَظْ قَاءِدِنَا بِالْقُرْآنِ وَ أَنْصِرْ جُيُوشَنَا بِالْقُرْآنِ  
وَ أَرْحَمِ إِمَامَنَا بِالْقُرْآنِ وَ أَرْحَمِ شُهَدَاءَنَا بِالْقُرْآنِ  
وَ تَجِنَّا مِنَ النَّارِ بِالْقُرْآنِ وَ أَدْخِلْنَا فِي الْجَنَّةِ بِالْقُرْآنِ  
اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي الدُّنْيَا قَرِينًا وَ فِي الْقَبْرِ مُونِسًا وَ أَنْيسًا  
وَ عَلَى الصِّرَاطِ نُورًا وَ دَلِيلًا وَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقًا وَ شَفِيقًا

قرارگاه جهادی طلاب عدالتخواه

@tollabeedalatkhah